

خبر

هزینه تولید فیلم‌های سینمایی با موضوع ایثار و شهادت تأمین می‌شود

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشاره به اینکه تولید فیلم سینمایی از حماسهٔ رزمندگان، ایثارگران و شهدا مورد توجه قرار دارد، گفت: «در این راستا ۳۰درصد هزینه آن از سوی بنیاد شهید و ۷۰درصد دیگر از استان‌ها تأمین می‌شود.»

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی با اعلام این خبر ادامه داد: «شورای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در همه استان‌ها به ریاست استاندار تشکیل می‌شود و براساس قانون بودجه یک درصد هزینه‌های جاری کشور به اجرای مصوبات این شورا اختصاص می‌یابد.»

معاون رئیس‌جمهور، هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و بسیج امکانات برای اجرا شدن مصوبات شورای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت را مورد تأکید قرار داد و بیان کرد: «چون مصوبات پشتوانه اعتباری دارد زمینه تسریع در اجرایی شدن آن فراهم است.»

در ادامه رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با تأکید بر فعال شدن دبیر خانه شورای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در استان بوشهر خاطر‌نشان کرد: «استان بوشهر در همه عرصه‌های قبل از انقلاب، حین انقلاب، دفاع‌مقدس، مدافع حرم، شهدای بین‌المللی دارای انواع شخصیت‌های شهید است که کمتر استانی این ظرفیت را دارد. باید کار گروه تخصصی این شورا در مرکز این استان تشکیل و در شهرستان‌ها هم این شورا فعال شود.»

وی از ساخت مرکز جامع سلامت ایثار در همه استان‌ها خبر داد و بیان کرد: «مرکز جامع سلامت ایثار شامل عملیات توانبخشی، درمانی، ورزشی با بهترین تجهیزات است که در همه استان‌ها توسط دولت ایجاد می‌شود.»

قاضی‌زاده رافانزادی خانه ایثار را مورد اشاره قرار داد و خاطر‌نشان کرد: «کار کرد خانه ایثار در راستای سلامت روحی و جسمی جامعه هدف است. ساخت مرکز اعصاب و درمان ویژه ایثارگران با نگاه شهر سلامت مورد توجه ویژه قرار دارد و ارائه خدمات درمانی مطلوب به جامعه هدف در اولویت است.»

کتاب

«مسافر انارستان» خواندنی شد

کتاب «مسافر انارستان» زندگی‌نامه داستانی شهید «عبدالمثنیٰ حبیبی» چاپ و منتشر شد. این کتاب قصه جوانی است به نام عبدالثنیٰ که در خانواده‌ای دیندار، در یکی از روستاهای دورافتاده بزازجان به نام انارستان متولد می‌شود. او از کودکی زیر نظر پدربزرگ صاحب‌دل و متدینی به نام حاج هرمز رشد می‌کند و با طبیعت زیبای اطراف روستا، کوه‌های تودرتو، درختان بادام کوهی، نخلستان‌ها و… خومی‌گیرد.

حاج هرمز و بسپرانش همگی به‌کار گله‌داری مشغولند و از این رو، عبدالثنیٰ هم از همان کودکی به‌کار چوپانی می‌پردازد و روزگارش در کوه و صحرا می‌گذرد. اما آنچه او را از بقیه چوپان‌ها متفاوت می‌کند، قابلیت او در خواندن است. این کتاب را الیلا خجسته راد براساس خاطرات خانواده، دوستان و هم‌زمان شهید حبیبی نوشته و توسط انتشارات حماسه یاران در ۲۸۵صفحه چاپ و منتشر کرده است.

علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب می‌توانند به سایت انتشارات حماسه یاران مراجعه کنند.

خبر

یادواره شهدای ارتش در تهران برگزار می‌شود

مدیرکل بنیاد شهید و امورایثارگران تهران بزرگ‌ار برگزاری یادواره شهدای ارتش در روزهای آتی در قصر هنگسرای شهید مسنفر دنیایک واقع در منطقه‌های ۶ و ۷ تهران خبر داد.

اصحاب کریمی با اعلام این‌خبر گفت: «دفاع‌مقدس یک دوران طلایی و با ارزش برای نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، دورانی که در آن ایثار، همدلی، شجاعت و وفاداری نمایان و پررنگ شده بود به همین منظور برگزار یادواره شهدا یعنی زنده نگه داشتن این ایثار و همدلی که یادواره شهدای ارتش نیز در همین راستاست.»

کریمی در ادامه با اشاره به آمار و ارقامی در زمینه شهدای ارتش افزود: «تهران بزرگ ۸هزارشهید ارتشی دارد که از این تعداد ۴۰۰ شهید آن متعلق به منطقه‌های ۶ و ۷ هستند و این یادواره نیز قرار است در همین منطقه تهران برگزار شود و زمان دقیق آن نیز متعاقباً اعلام خواهدشد.» وی با اشاره به اجرای طرح سیاس ویژه خانواده‌های معظم شهید و ایثارگران ارتش جمهوری اسلامی، تهران بزرگ، تصریح کرد: «اجرای طرح سیاسی که با هدف سرکشی به خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران اجرایی شده است هم‌اکنون نیز در ۱۲منطقه اداره کل تهران بزرگ در حال برگزاری است و در روزهای آینده طبق برنامه ارائه شده تمام ۱۲منطقه بصورت ویژه به دیدار خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران ارتش خواهند رفت.»

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ، در پایان با اشاره به اینکه رسانه در پژوها این مهم بسیار مؤثر است، افزود: «نقش رسانه در برگزاری این یادواره بسیار مهم و مؤثر خواهد بود.»

ایثار ومقاومت



بازیگری که شیر شب‌های شلمچه شد

به یاد شهید محمدعلی شاهرادی، فرمانده شجاع و نترس جبهه‌ها

شهره کیانوش‌راد روزنامه‌نگار

قمرینی‌هاشم(ع) مطمئن بودند حتی اگر خطی در حال سقوط بود، با آمدن شاهرادی آن خط دیگر سقوط نمی‌کند. در گفت‌وگو با حاج‌محمود شاهرادی، برادر و دکتر عبدالخالق شاهرادی خواهرزاده شهیدمحمدعلی شاهرادی نگاهی به زندگی پرافتخار این فرمانده شجاع عشایری انداخته‌ایم.

سال ۱۳۳۸ در روستایی از توابع شهرستان لنجان استان اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای محل تولد به پایان رساند و برای تحصیلات متوسطه به دبیرستان حافظ زرین شهر رفت. پایان تحصیلات متوسطه او با شروع انقلاب اسلامی هم‌زمان شد و او در ترویج افکار انقلابی و آگاهی مردم محل خود و تهیه و تکثیر عکس و اعلامیه‌های حضرت امام(ره) نقش‌بسرزایی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه پاسداران درآمد و با شروع درگیری‌های کردستان در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ داوطلبانه به این منطقه رفت.

نقش آفرینی در چند فیلم سینمایی

حاج‌محمود شاهرادی، برادر بزرگ‌تر شهید که در دوران دبیرستان معلم او بوده، از روزی برآیمان می‌گوید که محمدعلی‌خبر از رفتنش به کردستان داد: «شهرپر بود که به مدرسه و پیش من آمد، احساس کردم می‌خواهد چیزی بگوید اما خجالت می‌کشید. فکر کردم شاید پول لازم دارد. وقتی پرسیدم متوجه شدم که می‌خواهد به کردستان برود. دبیلمش را گرفته بود و من به او پیشنهاد دادم بوم که به سرپایزی برود و بعد در کارخانه‌های ذوب‌آهن یا صنایع فولاد استخدام شود. وقتی از او پرسیدم چه شده؟ گفت: «در کردستان میان سپاه و نیروهای کومله درگیری شده و من می‌خواهم به کردستان بروم.» اسنشن موافق نبودم چون خانواده ثروتمندی نبودیم و با مشکلات مالی روبه‌رو بودیم. به او با گفتیم نرو، بمان و کار کن. زندگی تشکیل بده، اما وقتی دیدم تصمیمش برای رفتن جدی است، گفتم هر جوری که صلاح می‌دانی عمل کن.»

او همراه چند نفر از بچه‌های اصفهان که شهید خرازی هم جزو آنها بود به کردستان رفت. شهید شاهرادی علاوه بر اینکه مبارزی قوی و شجاع بود، هنرمندی حرفه‌ای و متواضع نیز بود. وقتی از کردستان برگشت، اوضاع آرام شده بود. او در

ه‌دقیقه با بهشتیان

سازنده مسجد

خاطرات به‌یادماندنی از شهیدمحمدعلی شاهرادی با گردآوری زهرا دهقانی ازجمله کتاب‌هایی است که درباره زندگی شهید شاهرادی به چاپ رسیده است. این کتاب توسط نشر دارخوین و در ۲۲صفحه چاپ شده و یکی از مجموعه کتاب‌های «ه‌دقیقه با بهشتیان» است که به زندگی و خاطرات شهید محمدعلی شاهرادی می‌پردازد. «روشنگری»، «بزار هنر»، «ساخت مسجد» «مراقبت از مردم»، «عشق به بسیجی‌ها»، «جنازه»، «یک تیر و دو نشان»، «نماز اول وقت»، «دلبستگی»، «روحیه‌دادن به نیروها»، «صله‌رحم»، «خاک‌ریز» و… عنوان داستان‌های این کتاب است. در داستان «ساخت مسجد» می‌خوانیم: «در اوایل جنگ، کمیود مسجد در خط، سردار را درگیر کرده بود. او با تعدادی از دوستان بدون هیچ امکانات مهندسی به ساختن مسجدی مشغول شد به نام مسجد عاشقان مهدی(عج).»

چند کتاب از شهید

عباسی لشکر

حماسه سردار شهید محمدعلی شاهرادی، قائم‌مقام لشکر ۴۴قمرینی‌هاشم(ع) در کتابی با عنوان «عباس لشکر» توسط انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس و در ۱۲۰صفحه منتشر شده است. این کتاب که جلد۴۴از مجموعه «فاتحان خرمشهر» است، بازنویسی خاطرات سردار شهید محمدعلی شاهرادی در موضوع آزادسازی خرمشهر و نقش وی در این رخداد تاریخی است.

حماسه‌های عرشی» کتاب دیگری است که توسط ابراهیم دلیری‌مالوانی، گردآوری شده و به زندگی‌نامه ۱۳۶۷تن از شهیدان انقلاب اسلامی، دوران دفاع‌مقدس و شهدای مدافع حرم اختصاص دارد و بخشی از آن مربوط به خاطراتی از زندگی شهید شاهرادی است. «شیر شب‌های شلمچه» کتاب دیگری درباره شهید شاهرادی است که توسط جام‌راد احمدی، تألیف شده و نشر دارخوین آن را چاپ کرده است.

هنرمند، فوتبالیست و فرماندهای شجاع و متواضع! اینها بخشی از ویژگی‌های بارز شهید «محمدعلی شاهرادی» بود. او فرمانده‌ای بود که حضورش در مناطق عملیاتی جبهه حتی هنگام حمله دشمن و زیر آتش رگبار دشمن، برای هم‌رزمانش آرامش و اطمینان به‌دنبال داشت. رزمندگان تیب قمرینی‌هاشم(ع) مطمئن بودند حتی اگر خطی در حال سقوط بود، با آمدن شاهرادی آن خط دیگر سقوط نمی‌کند. در گفت‌وگو با حاج‌محمود شاهرادی، برادر و دکتر عبدالخالق شاهرادی خواهرزاده شهیدمحمدعلی شاهرادی نگاهی به زندگی پرافتخار این فرمانده شجاع عشایری انداخته‌ایم.

۲فیلم سینمایی «غروب خونین» و «جان برکف» ایفای نقش کرد. حاج‌محمود می‌گوید: «هدفش این بود که از راه هنر، درباره مسائل کردستان و انقلاب روشن‌گری کند. در فیلم «غروب خونین» هنرپیشه نقش اصلی بود. موضوع فیلم درباره مسائل قبل از انقلاب و سساواک بود. «جان برکف» هم در مورد مسائل کردستان بود که شهید از آن آگاهی کامل داشت. در نمایشی هم با نام «تیر غیب» ایفای نقش کرد که در سینمای زرین شهر اجرا می‌شد.» برادر شهید در ادامه خاطراتی از مراسم تقدیر شهدای هنرمند برآیمان تعریف می‌کند: «چندسال پیش همایشی در تهران برگزار شده بود و از شهید شاهرادی به‌عنوان هنرمند شاخص تجلیل شد. بعد از مراسم چند خبرنگار با خانواده‌های شهدا مصاحبه کردند. یکی از خبرنگاران که آمریکایی بود و در ایران زندگی می‌کرد وقتی اسم شهید شاهرادی را شنید باهیجان گفت: «شاهرادا من کارهای او را دیده‌ام و با هنر بازیگری او آشنا هستم.» محمدعلی با شروع جنگ تحمیلی نتوانست فعالیت‌های هنری خود را ادامه دهد، برای او حضور در جبهه و دفاع از میهن از هر کار دیگری واجب‌تر بود.»

فرمانده دونه

دویدن با پای برهنه



در مقابل دشمن ترسی به خود راه نمی‌داد

شهید شاهرادی پس از شروع جنگ تحمیلی این بار به‌سمت جبهه‌های جنوب اعزام‌وو در دارخوین مستقر شد. او در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس به‌عنوان فرمانده گردان حضور داشت. پس از تشکیل تیپ قمرینی‌هاشم(ع) مسئولیت‌طرح و عملیات این تیپ را بر عهده گرفت و در عملیات‌های الفجر، ۴، خبیر، بدر و الفجر، ۸شترک کرد. او به قائم‌مقامی لشکر قمرینی‌هاشم(ع) منصوب شد و با همین مسئولیت در دوم دی سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای‌دِه شهادت رسید. دکتر عبدالخالق شاهرادی، خواهرزاده شهید که در جبهه‌های جنوب هم‌رزم دایی خود بوده با بیان خاطراتی از او یاد می‌کند: «من و محمدعلی تقریباً ه‌همس‌ن و سال بودیم که به جبهه رفتیم. شجاعت

عصبانی ش‌ود و بگوید مگر من تو را آوردم! ما یا هر حرف دیگری به من بزند. فقط سعی کرد من را آرام کند. این بر خورد را سه‌قطط با من بلکه با همه نیروهایش داشت. رزمنده‌های تیپ قمرینی‌هاشم(ع) از شهرهای مختلف مسیرم، شهرضا، زرین‌شهر، چهارمحال‌بخیرانی، اصفهان و… اعزام شده بودند و از نظر سیاسی، فرهنگی و حتی قومیتی با هم اختلاف‌سلیقه داشتند اما همه تحت‌تأثیر اخلاق و رفتار شهید و با وحدت و دوستی برای یک هدف می‌جنگیدند. وقتی رزمنده‌ها تحت‌فشار حمله دشمن بودند، به محض آمدنش، احساس آرامش پیدا می‌کردند.»

شهید از میان همین مردم بودند

دکتر عبدالخالق شاهرادی معتقد است که باید شهدا را همانگونه که بودند به مردم معرفی کرد و نباید از آنها اسطوره‌های دست‌نیافتنی ساخت: «گاهی در معرفی شهدا غلو می‌شود و آنها را افرادی تک‌بعدی که فقط عبادت و جهاد می‌کردند معرفی می‌کنند. در حالی‌که بسیاری از آنها افرادی بودند تحصیل کرده، هنرمند یا ورزشکار و از هر فرصتی برای پرداختن به علایق خود استفاده می‌کردند. محمدعلی فوتبالیست حرفه‌ای بود و علاوه بر این در چند فیلم سینمایی نقش آفرینی کرده بود. اهل شوخی و مزاح بود و در مراسم جشن‌های عشایری که با ساز و دهل برگزار می‌شد شرکت می‌کرد و می‌توانم بگویم در چوب‌بازی سرآمد بود. از وقتی به دنیا آمد بود مادر بزرگ او را «جان خانی» صدا می‌کرد. اصطلاحاً کسی می‌گفتند که خصوصیت مردانگی و شجاعت دارد. بزرگ‌تر که شد بین بچه‌های محل به «بانی» معروف شد. می‌گفتند جانی آمد. وقت پای جنگ و دفاع از کشور پیش آمد، در س و کار و زندگی را رها کرد و به جبهه رفت و با شجاعت جنگید. هر وقت از جبهه برای مرخصی کوتاه به زادگاهش می‌رفت. ۲۴ ساعت هم در خانه نمی‌ماند و به خانواده‌های شهدا یا افراد نیازمند در شهرهای اطراف سرکشی می‌کرد. آنقدر متواضع بود که کسی فکرش را نمی‌کرد او یکی از فرماندهان جنگ است. معتقدم سبک زندگی شهدا و ابعاد مختلف شخصیت آنها باید به نسل امروز معرفی شود تا این تصور پیش نیاید که چنین جایگاهی دست‌نیافتنی است.»

عبدالخالق شاهرادی: «گاهی در معرفی شهدا غلو می‌شود و آنها را افرادی تک‌بعدی که فقط عبادت و جهاد می‌کره‌اند معرفی می‌کنند.

در حالی‌که بسیاری از آنها افرادی

بودند تحصیل کرده، هنرمند یا

ورزشکار و از هر فرصتی برای پرداختن

به علایق خود استفاده می‌کردند»

متخصص شناسایی مواضع دشمن

چرا دستگیرش نمی‌کنید؟

شهید شاهرادی متخصص شناسایی مواضع دشمن بود.محمدحسن خلیفی یکی از هم‌زمان شهید خاطره تعریف می‌کند: «قی‌فافاش با چهره‌آفتاب‌سوخته‌به‌اهالی جنوب ششبه بود.در شناسایی‌ها برای حتی وارد مقر عراقی‌های شد.با آنها غما می‌خورد و برمی‌گشت. در عملیات والفجر جمعی اسیر عراقی را در گوشه‌ای نشانده بودیم. شاهرادی نیز در خط قدم زد. ناگهان یکی از درجداران عراقی در حالی‌که با انگشت به شاهرادی اشاره کرد، چیزهایی گفت. یکی از بچه‌ها که عربی می‌دانست ترجمه کرد. گفت او می‌گوید: «این عراقی است، چرا دستگیرش نمی‌کنید؟ چند روز قبل در صف غذا بود، با من دعوایش شد و مرا تک‌تک زد. این هم جای پای لگدناوست.»

فرزند دلیر عشایر

اگر چوپان بخوابد…

قدرت بدنی از یک طرف و آزادمنشی و صفای شاهرادی از طرف دیگر، حاکی از زندگی عشایری و سر کردن سال‌های دراز در بیابان بود. قربانعلی امینی از دوستان شهید به این موضوع که او شهید شاخص عشایر در سال ۱۳۹۲ بوده اشاره کرده و می‌گوید: «یکی از مواردی که شاهرادی در شوخی‌هایش به کار می‌برد و همه را می‌خنداند، استفاده از فرهنگ و اصطلاحات عشایری و بیابانی بود. در خط دفاعندی شلمچه بودیم و شاهرادی نیز فرمانده خط بود. از سر شب تا نزدیک صبح چندین بار وضعیت نگهبان‌ها را بررسی و آن‌سوی خط را دیدنای می‌کرد. یک شب به او گفتم: «شاهرادی، پس کی می‌خواهی؟» همانطور که مشغول دیدبانی بود گفت: «ما عشایر می‌گوییم، اگر چوپان بخوابد صبح که بلند شود از گله‌اش خبری نیست.» همچنین در خاطراتی از شهید آمده در پاسگاه زید یکی از سایل‌پندها از بین رفته و سیلاب به طرف مقر مهندسی تیپ خبری بود. او شخص‌برای تعمیر پل شانور دست به‌کار می‌شود. او به راننده لودر گفت خاک بریز. وقتی لودر بیل خاک را روی یک طرف پل ریخت سمت دیگری‌که شهید ایستاده بود بالا رفت و او با سر داخل آب رفت. در حالی‌که سرگرا سسندم و دویدم. وقتی کم‌کم از آمد و صدای قهقهایش همه جا را پر کرد.

همیشه‌ری

کتاب

حامد یزدانی؛ روزنامه‌نگار

ساره

نقش بی‌بدیل زنان در پشتیبانی جنگ و حمایت از مردان مبارز در طول دفاع‌مقدس بر هیچ‌کس پوشیده نیست. آنها خاطرات بسیاری از همراهی با همسران خود در مناطق جنگی دارند و بهترین راویان برای معرفی خلق و خوی همسران شهیدشان و سبک زندگی آنها هستند. کتاب «ساره» روایتی از زندگی ساره

نیکخوا، همسر شهید سسبزعلی خداداد است. او یکی از زنان مقاوم، صبور و مهربان مازندرانی است که سال‌هایی از دوران جنگ را در جنوب کشور و در کنار همسر و فرزندش با نگاه به آینده سپری کرده است. همسرانه‌های زیبای ساره تیان کتاب را پر از فراز و فرودهایی کرده و ششما بسا خواندن این کتاب در جریان سختی‌های زندگی، ساده‌بستی، دوری و دلتنگی‌های این زوج وفادار قرار می‌گیرد. کتاب با قلم حسن و حسین شیردل تنظیم شده و انتشارات شهید کاظمی آن را به چاپ رسانده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«فرور بختن خانه را می‌دیدم، ولی چیزی نمی‌شنیدم. داخل اتاق‌های خانه بی‌هوا و بی‌هدف می‌چرخیدم. وسایل خانه را که تکه‌تکه با علی آقا جمع کرده بودیم نگاه می‌کردم. آن لحظه حسن کردم تهرای زمین ایستاده‌ام و کس دیگری روی کره‌زمین نیست. هیچ کس نیست. به خدا گفتم: «خدا!! الان من که را صدا بزنم؟ به کجا چنگ بزنم و خودم را نگه‌دارم؟»

شهید خداداد، ۲۷فروردین ۱۳۴۳همسر و فرزندش را برای سهولت کار به اهواز برد تا کمتر به زادگاهش بابل برود و تمرکز بیشتری بر مناطق عملیاتی و جنگ داشته باشد. او فرمانده گردان‌های انصارالحسین(ع) بود و در ۱۹آذر ۱۳۶۵ در حالی‌که برای شناسایی منطقه عملیات کربلای ۴ رفت بود بر اثر اصابت ترکش خمپاره ۶۰به پشش به شهادت رسید. حسن و حسین شیردل که از نویسندگان مازندرانی هستند در کتاب «ساره» تلاش کرده‌اند تا زبان بومی مازندرانی را وارد خاطره‌نویسی کنند و این ویژگی، کتاب را اثرنادنی‌تر کرده است.

مستند

کل‌کل‌های قرمز و آبی که ۳دهه زیر خاک پنهان شد

پیکر شهدا با پیراهن آبی‌م‌ر طرفدار پایتخت در تفحص‌های اخیر کمیته‌جست‌وجوی مفقودین، یافت‌شده‌است.سیدمحمد باقرزاده فرمانده کمیته‌جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح با بیان این خبر گفت: «در جریان تفحص پیکر چند نفر از شهدای دفاع‌مقدس به‌همراه پیکر یکی از شهدای گمنام یک پیراهن ورزشی باشگاه استقلال پیدا شد. ۱۳س‌ام‌از کشف این پیراهن، پیراهنی از باشگاه پرسپولیس نیز در کنار پیکر شهید گمنام دیگری یافت شد.» وی افزود: «هم‌اکنون پیراهن این دو شهید گمنام طرفدار باشگاه سرخ‌خانی‌های تهران در ستاد معراج‌الشهدا نگهداری می‌شود و ما آمادگی داریم تا در صورت تمایل مدیران دو باشگاه استقلال و پرسپولیس این دو پیراهن را به پیشکش‌ووتان، ورزشکاران و مسئولان این دو باشگاه هدیه کنیم تا در گنجینه افتخارات آنها نگهداری شود.» شماره ۵استقلال در دهه ۶۰متعلق به شاهین بیانی است، اما مشخص نیست شماره ۱۲ پرسپولیس در آن سال‌ها بر تن کدام بازیکن این تیم پایتخت بوده است.



انیمیشن

بادها کجا می‌میرند

بمباران شیمیایی سردشت در سال۱۳۶۶ یکی از تلخ‌ترین حوادث دوران مقدس بود که توسط حمله صدام به مردم بی‌دفاع و کرد شهرستان سردشت رقم خورد. انیمیشن «بادها کجا می‌میرند» دربارهٔ بمباران شیمیایی سردشت است که در واقع نخستین شهر شیمیایی شده جهان محسوب می‌شود که در آن گاز خردل استفاده شده است. این انیمیشن به کارگردانی پژمان علیپور، از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی موفق به دریافت جایزه بهترین حافظه از جشنواره جوان بی‌زمان (time awards) شده است. این انیمیشن ۱۳دقیقه‌ای، محصول مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، برای حضور در دوازدهمین جشنواره پویانمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انتخاب شده و به نمایش درآمد. در این انیمیشن قبل از بمباران، لحظه اتفاق و بعد از اتفاق به نمایش گذاشته شده است و برای جذابیت داستان، یک رابطه عاشقانه ۳مرحله گذر زمان را به یکدیگر پیوند می‌دهند. علیپور، درباره هدف خود از ساخت این فیلم گفته است: «بادها کجا می‌میرند زیرمجموعه مستند-انیمیشن‌ها قرار می‌گیرد. احساس می‌کردم که به حادته بمباران شیمیایی سردشت خیلی پرداخته نشده است و خیلی از مردم از آن آگاه نیستند.»

